گزارش

سیاست اصلاح‌طلبان در قبال مذاکره تغییر کرده است؟

تناقض‌گویی‌های اصولگرایانه بر سر برجام

نگاه و سیاست اصولگرایان در قبال مذاکره و برجام با آمدن دولت رئیسی تغییر کرده است؟ اخیرا کریمی‌قدوسی در تناقض با آخرین سخنان تا پیش از تغییر دولت بود نمونه‌هایی را مطرح کرده مبنی بر اینکه اصولگرایان مشکلی با ادامه مذاکرات و احیای برجام ندارند به شرطی که مجری آن خودشان باشند. قبلا هم این بحث مطرح بود و حمیدرضا ترقی اصولگرا قبلا گفته بود باید یک اصولگرا مذاکرات را آمریکا را عهده‌دار شود.

همان زمان این بحث مطرح شد که بخشی از اصولگرایان قدیمی و متقدم که ترقی نماد آنهاست، گفته بودند که اصولگرایان اصل مذاکره با آمریکا را پذیرفته‌اند و مذاکره را به عنوان یک روش و مسیر برای منافع ملی قبول کرده‌اند. اما تیم مذاکره‌کننده‌ای که مورد تایید باشد را شایسته مذاکره با آمریکا می‌داند.

او دیروز هم با اشاره به اینکه یکی از نکات مهم سخنان رئیسی مربوط به تعیین تکلیف مذاکره و ارتباط با آمریکا و... بود به خبرآنلاین گفته است: ایشان با صراحت تکلیف را براساس همان رهنمودی که مقام معظم رهبری دادند مشخص کردند و تاکیدکردند که در مورد مذاکره، اگر قرار باشد، با اهدافی که آمریکایی‌ها دارند دنبال می‌کنند، دنبال نشود، برای مردم هیچ نفعی ندارد. بنابراین طبیعی است که مذاکره را ولو برای مذاکره انجام نخواهیم داد. او پیش‌تر گفته بود: «مذاکره در صورت ضرورت به وسیله کسانی که بتوانند منافع ملت را حفظ کنند و نفوذناپذیر باشند، می‌تواند اتفاق بیفتد».

اگرچه بعد از انتقادات تندی که از سوی برخی جریان‌های تندرو اصولگرا به ویژه نمایندگان فعلی مجلس به این اظهارات ترقی شد و حتی بعد از همین اظهارات او و از اداره اصولگرایی کنار خواندند، ترقی مجبور شد سخنانش را پس بگیرد و بگوید منظورش این نبوده که اصولگرایان قرار است با آمریکا مذاکره کنند!

کوثری نماینده تهران که اخیرا گفته بود بحث عدم مذاکره بر سر برجام مطرح نیست، بدون اشاره به اقدام نمادین اصولگرایان در آتش‌زدن برجام در مجلس نهم گفته است: در مجلس نهم مخالفان برجام نظرشان مخالفت با اصل مذاکره نبود بلکه معتقد بودند برجام اگر مذاکره است باید نتیجه‌بخش باشد و نتیجه آن فقط به نفع آمریکا و ۴+۱ رقم نخورد، کسی از مذاکره نمی‌ترسد. از همان ابتدا گفتیم که حمایت از آمریکا اشتباه است. اروپایی‌ها توقع دارند تا هرچه می‌گویند ایران بپذیرد. همان موقع در مجلس وقت هم به تیم مذاکره‌کننده گوشزد کردیم که اشتباه است یک‌دفعه برجام را عملی کنند، ایران یک گام بردارد و بگذارند آنها هم یک گام بردارند.

او گفته است: «هر وقت که طرفین مقابل انصاف به خرج دهند آن وقت می‌توان امیدی به برجام داشت. برجام دو، سه و چهار را مطرح نکنند. راه برای مذاکره بعدی باز است، اما اگر بخواهند شروطی را در زمینه موشکی، منطقه‌ای، حقوق بشر بگذارند نمی‌پذیریم. مذاکره می‌کنیم تا نتیجه بگیریم نه اینکه مذاکره کنیم برای مذاکره، این روند قابل قبول نیست. هیچ‌گاه کسی مخالف مذاکره نبوده است. حضرت آقا هم فرمودند که ما از مذاکره ترس نداریم منتها اصل این است که مذاکرات باید عملی شود. در مجلس نهم که بازدید از فردوسی داشتیم، تمام دستگاه‌های سانتریفیوژ را جمع کرده بودند. در خداب اراک نیز به همین صورت. ایران آمادگی مذاکره را دارد. در صورتی که مذاکره مشخص باشد و در چارچوب همین برجام مورد بحث نه برجام‌های دیگر؛ ما برجام‌های بیشتری نداریم».

کریمی‌قدوسی هم از حامیان آتش‌زدن و خروج از برجام در مجالس گذشته بود. اخیرا گفته که اکنون متن مذاکره متن برجام است، همانی که در برجام آمده نه یک پاراگراف کمتر و یا بیشتر. این متن مذاکره است. اما آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها در جدّ توده مذاکره که از قرارمی‌تاکنون ایفا رفتند و آمدند. ماورای متن برجام از ایران مطالباتی کردند که خلط قرمزهای جمهوری اسلامی آنجاست. این در حالی است که او در همین دی ماه گذشته در مجلس حاضر به ظریف گفته بود: برجام مُرد و بوی گند آن هم درآورده است و ایران به این مجلس انقلابی با قانون انقلابی خود برجام را دفن کرد. پس خواهش می‌کنم که دیگر چنین حرف‌هایی را تکرار نکنید. او با اشاره به تصویر منتشرشده در سایت مقام معظم رهبری درباره مذاکره با آمریکا، گفته بود: در این تصویر پنج نفیش دور یک میز قرار دارد و تصاویر ترامپ، نتانیاهو، مکرون و مرکل روی هر صندلی است. یک صندلی خالی هم وجود دارد که برای اراق رحانی است. در ارتباط با مذاکرات این صندلی متر بحرانی است و خودنویسی در کنار آن قرار گرفته که این امضای شما بر روی این سند ذلت است. بنابراین یکی از جنتلمن‌های پشت میز مذاکره اراق رحانی و ظریف است.

رئیسی سه روز پیش گفته بود که مذاکره در دستور کار است و ابایی از مذاکره نداریم. اما عبدالله‌یان در فکت‌وگوی تلفنی با وزیر خارجه کرواسی درباره مواضع ایران درخصوص مذاکرات وین گفته که مذاکره برای مذاکره سیاست ایران نیست و مذاکره باید معطوف به تامین منافع مردم ایران باشد، همچنین آمریکا باید بداند تنها با مذاکره با ملت ایران صحبت کند.

همچنین عباس‌زاده‌دمشکینی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس هم درباره موضع جمهوری اسلامی ایران در جریان مذاکرات وین گفته است: اصل این است که در هر مذاکره اول منافع ایران تضمین شده باشد و مذاکره‌ای که منافع جمهوری اسلامی را تضمین و تامین کند، قابل ورود است. باید در برابر امتیازهایی که می‌دهیم، امتیازاتی دریافت کنیم که ارزش آن را داشته باشد.

در دولت گذشته، به نام مذاکره ما را محاکمه می‌کردند و می‌گفتند چه جاهایی تخطی کرده‌ایم که ارتباطی به متن و مفاد توافق‌نامه نیز نداشت. او یا اشاره به اینکه مجلس راه را برای نحوه ورود به مذاکرات روشن کرده و قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها در راستای صیانت از منافع ملی به تصویب رسیده است، گفته که لذا دولت نیز فارغ از اینکه در چه حوزه‌ای قرار گرفته باید آن را اجرا کند. رهبر انقلاب نماینده فعلی مجلس هم ضمن «فرسایشی»خواندن روند مذاکرات وین در دولت پیشین گفته بود: «متاسفانه مذاکرات در دولت روحانی بدون نتیجه استمرار داشت و قطعا در دولت جدید این روبه را شاهد نخواهیم بود».

در گفت‌وگو با مولوی عبدالحمید مطرح شد

دلیل تبریک به طالبان

زهرا مشتاق

من در بدترین زمان ممکن با مولوی عبدالحمید مصاحبه کرده‌ام؛ درست چند روز بعد از پیاده شدن پرچم سفید از کاخ ریاست جمهوری اهل سنت و به‌ویژه فعالان جامعه مدنی را عصبانی و مایوس کرد. سال‌های زیادی است که قصد داشته‌ام به‌عنوان یکی از کنشگران اجتماعی فعال در سیستان‌وبلوچستان به دیدارش بروم و از او بخواهم برای تغییرات اساسی در این استان کاری بکند. او در میان اهل سنت از نفوذ معنوی قوی‌الاعداد برخوردار است و در دورترین نقاط روستایی از او حرف‌شنوی دارند. برای همین می‌خواستم او را ببینم. به‌صورت پرایم مصاحبه داشت و منتظر نشدیم. به سالن رفتیم. قرارمان ساعت ۱۰ صبح بود. برای رسیدن به دفتر ایشان از کنار مردمی گذشتم که نامه‌به‌دست در انتظار دیدن مولوی و احتمالا حل مشکلاتشان بازماندگان از تحصیل می‌بودند و به‌خصوص دخترانی که به مردانی چند برابر سن خود شوهر داده می‌شوند. همچنین تلنگستی مردم و نبود زیرساخت‌های روستایی از دیگر مطالباتم

از مولوی بود. می‌خواستم از مولوی بپرسم با بخواهم و وجوهات شرعی جمع‌آوری‌شده که باید رقم درخور توجهی باشد، صرف امور عمرانی روستاهای استان شود. می‌خواستم به او یادآوری کنم که میان بلوچ‌ها افراد توتمند زیادی هستند که اگر او فراخوان بدهد حاضرند برای کمک به مشکلات استان سیستان‌وبلوچستان قدم پیش بگذارند؛ اما این مصاحبه درزمانی بسیار فشرده و میان دو نماز مغرب و عشا در بخش داری مسجد مکی در شهر زاهدان انجام شده است. با سقوط ولسوالی‌های افغانستان و حاکمیت طالبان، من به همراه بعضی دوستانم در مرز ایران و افغانستان مشغول کمک‌رسانی به پناجویان و نظامیان گریخته از جنگ طالبان بودیم. رفیقی از مولوی قنبرزهی حاضرشده بودم اگر بشود با جناب مولوی قنت‌وگویی داشته باشم. مولوی اسلام بسیار پایگاه و سپفدرکی به تن داشت و بعد از سلام و احوال‌پرسی گفت شما قبلا هم با کرم و در مسیر سوال‌هایم را روی کاغذ نوشتم. قرارمان ساعت ۱۰ صبح بود. برای رسیدن به دفتر ایشان از کنار مردمی گذشتم که نامه‌به‌دست در انتظار دیدن مولوی و احتمالا حل مشکلاتشان بازماندگان از تحصیل می‌بودند و به‌خصوص دخترانی که به مردانی چند برابر سن خود شوهر داده می‌شوند. همچنین تلنگستی مردم و نبود زیرساخت‌های روستایی از دیگر مطالباتم

در بوینام که او هم بازنشسته شد.

شما فکر می‌کنید چه دلیلی دارد که از این ظرفیت‌ها استفاده نمی‌شود؟

چون مقدار زیادی هزینه داشت. ما هزینه دادیم و مورد بی‌توجهی آن طرف قرار گرفتیم. گفتند اگر رای شما در سبد اصلاح‌طلبان بود، سرنوشت انتخابات را عوض می‌کند. هم آن‌طرفی‌ها از ما ناراضی بودند و هم این‌طرفی‌ها راضی نشدند برای ما هزینه کنند. در دوره آخر من رفتم تهران و خیلی تلاش کردم که یک وزیر از اهل سنت را در کابینه بگذارند. سرانجام گفتند شما از وزرای اهل سنت استفاده نکنید. من گفتم خب به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور بگذارید، باز هم قبول نکردند. اصلاح‌طلبان حاضر نشدند هزینه کنند و بیست و مقامی را برای اهل سنت در نظر بگیرند. این تبعیض و نابرابری برای ما خیلی سخت بود. تبعیض در مناطق سنی‌نشین و در مدیریت کلان کشور، ما را مقدار زیادی سرخورده کرد.

در دنیا همیشه سیاست یک‌جور نیست، باید تغییر کند. این دوره هم ما چنین تصمیمی گرفتیم. اصولگرایان گفتند یک دوره هم ما را آزمایش کنید، ما نخبگان اهل سنت را به کار می‌گیریم. گفتند شما این همه به اصلاح‌طلبان رای دادید، یک دوره هم به ما اعتماد کنید و رای بدهید. تیم اگرای رئیسی هم شدیداً بیکیوی کردند و چندین نفر را به راهدان فرستادند. خود اگای رئیسی و تیمشان هم در تهران بیکیو مسائل اهل سنت در مناطق مختلف بودند و در عین حال وعده دادند از نخبگان اهل سنت استفاده خواهیم کرد.

آیا به این وعده عمل کردند؟

تاکنون که نه. اما امیدوار هستیم. کابینه فعلی هم که معرفی کردند، ما اعتراض کردیم؛ چون گفته بودند از اهل سنت استفاده می‌کنیم که نکردند و حتی از زنان نیز کسی را در کابینه به کار نگرفته‌اند. ولی ما هنوز منتظر و امیدوار هستیم؛ چون آقای رئیسی گفته‌اند که من جیبی را اعلام نمی‌کنم، ولی کوشش خودمان را می‌کنیم که در عمل کار کنیم و اهل شعار نباشیم.

در کابینه که غیرممکن است. ولی حداقل اسنادار یا راهنمای اسنادار یا معاونان وزرا، امکان دارد از اهل سنت تحضر داشته باشند؟

بله؛ البته نگرانی اصلی من از اصولگرایان همین است که وزیری نگذاشتند و آدرسی هم به ما ندادند. در دوره اصلاح‌طلبان هم فقط گفتند از اجهایی زنگ زده‌اند. خب اگر شما از جایی اجازه می‌کنید و آنها هم مخالف بودند. لااقل به ما هم می‌گفتند تا ما هم درخصوص اشاره می‌کردند که از اجهای دیگر اراق نمی‌دهند. ولی نگفتند که شما کجا بروید و مشکل خودتان را حل کن نیست. بر همین اساس ما این بار نگفتیم در این دوره اصولگرایان را آزمایش کنیم.

آیا شما هیچ‌وقت با مراجع قم در ارتباط بوده‌اید و با آنها معاشرت و رایزنی داشته‌اید؟

بله؛ ما رفت‌وآمد کردیم. ما با رهبر ما به قم رفتیم و خدمت مراجع رسیدیم.

چه کسانی را ملاقات کردید؟

آیت‌الله مکارم‌شیرازی که سلام و علیک نزدیک با هم داریم. آقای نوری‌همدانی را دیدیم و تمام مراجع را ملاقات کردیم. تک‌تک آنها را دیدیم. به‌جز کسی که احیانا وقات نداده باشد یا به دلیل کهولت سن نتوانسته ملاقات باشد. دو بار در قم کنفرانس بود که من شرکت کردم و فوست صحبت هم اگر دادند. صحبت کردم.

دیدار آقای حسین الگه‌رم با شما تحت چه عنوانی صورت گرفت و راجع به چه مسائلی با به مصحبت کردید؟ آیا خواسته ایشان طیب نظرشما درحمایت از آقای رئیسی بود؟

بله. نتیجه جلسه این بود که ما در نهایت به آقای رئیسی رای دادیم و سعی‌مان این است که در دوره آتی رئیسی نباید ناراضی و کدورتی که از دوره قبله قبل را در دل ترنا بسود، برطرف بشود. برای ما شخص آقای رئیسی مطرح نبود. ما کل مجموعه اصولگرایان را دوست داشتیم و گفتیم اگر ما به اینجا رای بدهیم، اینها متوجه می‌شوند که ما با آنها دشمنی نیستیم.

البته وقتی آقای الگه‌رم آمدند، ما موضع خودمان را از قبل مشخص و اعلام کرده و گفته بودیم که به آقای رئیسی رای می‌دهیم. این آن بود که ایشان به اینجا آمدند. یک بار آمدند همین مسجد مکی و یک بار دیگر هم زمانی که من بعد از معالجاتم از تریکه برگشتم، به عیادتم آمدند.

چطور توانستید به طالبان تبریک بگویید؟ آیا فلسفه دانشگاه کابل، کشتار در مدرسه دخترانه و صدها عملیات انتحاری دیگه به موجب که صدها نظامی و غیرنظامی کشته و طالبان به طور مستقیم مسئولیت آن را بر عهده گرفتند، از یاد بردید؟ حرف کرد دعوت که آن نیز از اهل سنت هستند. مخالفت خود را با برایم تبریک شما اعلام کردند.

ما کسی‌مان نیز برای خیلی از برادران و خواهران دیگر هم سخت و قابل تحمل نبود. اسارت است. من توضیح می‌دهم. طالبان حدود ۲۰ سال است که اسارت را چشیده‌اند. کودهای دیگری هم گیر از طالبان در افغانستان مسلط بودند. من ممکن است از تمام اتفاقات بیش‌آمده و جزئیات آن اطلاعاتی داشته باشم که دیگران مطلع نباشند. اینکه طالبان چه کرده‌اند و چه کرده‌اند، ما زنده شدیم؛ ولی اینکه طالبان چه کارهایی را بر عهده گرفته‌اند که کار آنها نیاشد، من ممکن است اطلاعات وسیعی نداشته باشم؛ ولی چیزی که من می‌گویم این است که طالبان فعلی با قبل تغییر کرده است. اینها طالبان ۲۰ سال قبل که مدتی در افغانستان حکومت کردند، نیستند. دیدگاه طالبان فعلی عوض شده. هرچند اعتقاد و مذهب آنها عوض نشده است. مصاحبه‌هایی که خود آنها پخش می‌کنند و صحبت‌هایی که سخنگوی طالبان می‌کند، حاکی از این است که دیدگاه آنها عوض شده است. قسمت شرقی زمان نزدیک مرز افغانستان و مرز پاکستان است و من چون خودم یک روحانی اهل سنت هستم، عالمها و روحانی‌های آنها را می‌شناسم و شما نمی‌شناسید. شما ممکن است روزنامه‌نگاران را می‌شناسید و طیف سیاسی هم سیاست‌مداران را بشناسید. ما هم اینها را می‌شناسیم. این علما، افراد معتدلی هستند و نتیجه نبستند. به طور کلی من اینها را تحولاتی صورت گرفته و فعلا این است که در بدو امر عفو عمومی اعلام کردند و تمام کسانی که با اینها جنگیده و شاید صدها نفر از طالبان را کشته‌اند، اینها را هم آزاد کردند و کاری به آنها نداشتند. الان هم هیچ‌کسی را تعقیب نمی‌کنند. یک نظام و حکومت ازهم‌پاشیده فعلا وجود دارد که طبیعتا هرج‌ومرج‌هایی هم اتفاق می‌افتد. ممکن است کسان تندروی باشند که از اسم طالبان سوءاستفاده کنند، ولی واقعا اینها ولی اعلام کردند که ما بخشیدیم. قطعا بخشیدند. حتی بعضی‌ها را با سلاح دستگیر کردند. آنها را به منازلشان بردند و اسلحه را نیز از آنها نگرفتند. البته بیشتر شهرها را با مذاکره خیلی راحت گرفتند. خیلی جاها هم کسانی بودند که به طالبان حمله کردند و درگیر شدند، ولی بیشتر با مذاکره باعث شدند که طرف مقابل تسلیم شود؛ چون می‌خواستند بدون جنگ و خون‌ریزی این کارها انجام بشود. به دروازه کابل هم که رسیدند گفتند خون‌ریزی نباشد و توقف کردند. در شهرهای دیگر هم همین کار را کردند. طالبان متحول شده و دیدگاه طالبان ۲۰ سال پیش نیستند. الان جریانی امیدوارکننده اینجا وجود دارد؛ از جمله کمک شخصی‌ام را ممنوع اعلام کرده‌اند و ان‌شاءالله مسئله کم‌آبی حل خواهد شد و آب هیرمند به سیستان ایران آزاد می‌شود. همین‌طور مسئله زنان حل می‌شود و دیگر مشکلاتی نیستند. اینها پذیرفته‌اند که زن‌ها دانشگاه بروند و تحصیلات عالیه داشته باشند. دختران به مدارس بروند و پذیرفته‌اند که زنان هم در عرصه‌های اجتماعی حضور داشته باشند و آنها هم در ادارات استخدام بشوند.

شما خودتان با طالبان گفت‌وگویی داشته‌اید؟ چون از این وعده‌ها قبلا هم داده‌اند؛ ولی در عمل چنین نبود. چه شد چون روز هم از احزاب و شبکه‌های اجتماعی، صحنه‌های تیرباران و شکستن موبایل‌ها را دیدیم. مگر ممکن است در عرض چند ماه یک‌دفعه تورییسی تبدیل به طالبانی بشود که شما تصویر می‌کنید؟

گذشته‌ها را رها کنید. من بحثی نسبت به گذشته ندارم. صحبت من در جواب گفتم فکر می‌کنم به سنی رسیده‌ام که بدانم قبل از رفتن به هرکجا باید اطلاع داد. او یکی از فرزندان مولوی بود که در جواب گفتند حتی کدام فکر می‌کنم به سنی رسیده‌ام که بدانم قبل از رفتن به هرکجا باید اطلاع داد. او یکی از فرزندان مولوی بود که امسا اطرافیان کفت‌وگو را به بعد از نماز مغرب واگذار کردند. حتی گفتند حتی کفت‌وگو را بیاورند تا مصاحبه شروع شود؛ امسا اطرافیان کفت‌وگو را به بعد از نماز مغرب واگذار کردند. ما ساعت حدود هشت شب و مسجد مکی انباشته از مسلمانانی بود که برای انجام فریضه نماز به مسجد نیمه‌تمام آمده بودند؛ دیوره تا نیمه‌تمام بود و تنها دو متر می‌دانستم که شما دو کیلومتر برای باشکوه آن دفاع کردم. حاضران کردم از دیدن پرسش‌ها ناراضی هستند؛ به‌خصوص بعضی وهابی‌ها که تیمه شخصی داشت. ناگهان در بازشد و مولوی با تعدادی از همراهان وارد مسجد شد. اولین چیزی که نظرم را جلب کرد، لاغرشدن او بود. می‌دانستم که مدتی از مرز ایران و افغانستان مشغول کمک‌رسانی به پناجویان و نظامیان گریخته از جنگ طالبان بودیم. رفیقی از مولوی قنبرزهی حاضرشده بودم اگر بشود با جناب مولوی قنت‌وگویی داشته باشم. مولوی اسلام بسیار پایگاه و سپفدرکی به تن داشت و بعد از سلام و احوال‌پرسی گفت شما قبلا هم با کرم و در مسیر سوال‌هایم را روی کاغذ نوشتم. قرارمان ساعت ۱۰ صبح بود. برای رسیدن به دفتر ایشان از کنار مردمی گذشتم که نامه‌به‌دست در انتظار دیدن مولوی و احتمالا حل مشکلاتشان بازماندگان از تحصیل می‌بودند و به‌خصوص دخترانی که به مردانی چند برابر سن خود شوهر داده می‌شوند. همچنین تلنگستی مردم و نبود زیرساخت‌های روستایی از دیگر مطالباتم

با ۴۴ سال با اصلاح‌طلبان همراهی کردیم، زمانی که اصلاح‌طلبی در اولین دوره ریاست‌جمهوری آقای دکتر روحانی بود، ولی تمام بزرگان کشور به آن سمت کشور رفتند و ما هم از آقای خاتمی حمایت کردیم؛ چون ویکه فضای سیاسی بازتری به وجود می‌آید و تغییراتی ایجاد می‌شود؛ بنابراین ما با اصلاح‌طلبان بودیم. اما شدیم. مسائلی که ما دنبال می‌کنیم، مسائل ملی کشور است و مسائل ملی کشور با مسائل اهل سنت، اقوام و مذاهب ارتباط دارد؛ چون مسائل ملی مربوط به همه کشور است و ما هم در آن سهیم هستیم و از آن سود می‌بریم. اما اصلاح‌طلبان در این ۴۴ سال که هشت سال آن آقای خاتمی و هشت سال دکتر آقای روحانی بود، توانستند از اهل سنت کسی را به‌عنوان همکار بیاورند

حضور دارند. درگیر شده و با آنها جنگیده‌اند. گروه‌های دیگری هم غیر از طالبان در افغانستان مسلط بودند. من ممکن است از تمام اتفاقات بیش‌آمده و جزئیات آن اطلاعاتی داشته باشم که دیگران مطلع نباشند. اینکه طالبان چه کرده‌اند و چه کرده‌اند، ما زنده شدیم؛ ولی اینکه طالبان چه کارهایی را بر عهده گرفته‌اند که کار آنها نباشد، من ممکن است اطلاعات وسیعی نداشته باشم؛ ولی چیزی که من می‌گویم این است که طالبان فعلی با قبل تغییر کرده است. اینها طالبان ۲۰ سال قبل که مدتی در افغانستان حکومت کردند، نیستند. دیدگاه طالبان فعلی عوض شده. هرچند اعتقاد و مذهب آنها عوض نشده است. مصاحبه‌هایی که خود آنها پخش می‌کنند و صحبت‌هایی که سخنگوی طالبان می‌کند، حاکی از این است که دیدگاه آنها عوض شده است. قسمت شرقی زمان نزدیک مرز افغانستان و مرز پاکستان است و من چون خودم یک روحانی اهل سنت هستم، عالمها و روحانی‌های آنها را می‌شناسم و شما نمی‌شناسید. شما ممکن است روزنامه‌نگاران را بشناسید و طیف سیاسی هم سیاست‌مداران را بشناسید. ما هم اینها را می‌شناسیم. این علما، افراد معتدلی هستند و نتیجه نبستند. به طور کلی من اینها را تحولاتی صورت گرفته و فعلا این است که در بدو امر عفو عمومی اعلام کردند و تمام کسانی که با اینها جنگیده و شاید صدها نفر از طالبان را کشته‌اند، اینها را هم آزاد کردند و کاری به آنها نداشتند. الان هم هیچ‌کسی را تعقیب نمی‌کنند. یک نظام و حکومت ازهم‌پاشیده فعلا وجود دارد که طبیعتا هرج‌ومرج‌هایی هم اتفاق می‌افتد. ممکن است کسان تندروی باشند که از اسم طالبان سوءاستفاده کنند، ولی واقعا اینها ولی اعلام کردند که ما بخشیدیم. قطعا بخشیدند. حتی بعضی‌ها را با سلاح دستگیر کردند. آنها را به منازلشان بردند و اسلحه را نیز از آنها نگرفتند. البته بیشتر شهرها را با مذاکره خیلی راحت گرفتند. خیلی جاها هم کسانی بودند که به طالبان حمله کردند و درگیر شدند، ولی بیشتر با مذاکره باعث شدند که طرف مقابل تسلیم شود؛ چون می‌خواستند بدون جنگ و خون‌ریزی این کارها انجام بشود. به دروازه کابل هم که رسیدند گفتند خون‌ریزی نباشد و توقف کردند. در شهرهای دیگر هم همین کار را کردند. طالبان متحول شده و دیدگاه طالبان ۲۰ سال پیش نیستند. الان جریانی امیدوارکننده اینجا وجود دارد؛ از جمله کمک شخصی‌ام را ممنوع اعلام کرده‌اند و ان‌شاءالله مسئله کم‌آبی حل خواهد شد و آب هیرمند به سیستان ایران آزاد می‌شود. همین‌طور مسئله زنان حل می‌شود و دیگر مشکلاتی نیستند. اینها پذیرفته‌اند که زن‌ها دانشگاه بروند و تحصیلات عالیه داشته باشند. دختران به مدارس بروند و پذیرفته‌اند که زنان هم در عرصه‌های اجتماعی حضور داشته باشند و آنها هم در ادارات استخدام بشوند.

شما خودتان با طالبان گفت‌وگویی داشته‌اید؟ چون از این وعده‌ها قبلا هم داده‌اند؛ ولی در عمل چنین نبود. چه شد چون روز هم از احزاب و شبکه‌های اجتماعی، صحنه‌های تیرباران و شکستن موبایل‌ها را دیدیم. مگر ممکن است در عرض چند ماه یک‌دفعه تورییسی تبدیل به طالبانی بشود که شما تصویر می‌کنید؟

گذشته‌ها را رها کنید. من بحثی نسبت به گذشته ندارم. صحبت من در جواب گفتم فکر می‌کنم به سنی رسیده‌ام که بدانم قبل از رفتن به هرکجا باید اطلاع داد. او یکی از فرزندان مولوی بود که در زمان تجاوز شوروی سابق به افغانستان جهاد کرد و با آنها جنگید. بهترین راه این است که بیایند و بنشینند با مذاکره و گفت‌وگو مسئله را حل کنند. من کلا با جنگ مخالفم و معتقدم گفت‌وگو کاربردی‌تر است و در دولت فراگیر که شامل همه اقوام افغان بشود، اینها بنشینند و صحبت کنند. من به‌هیچ‌وجه با جنگ موافق نیستم و معتقدم جنگ برای هر دو طرف ضرر دارد و جنگ اینها را به هیچ کجا نمی‌رساند.

شما به‌طور مشخص برای وضعیت دشوار ایرانی‌های فاقد شناسنامه، به‌خصوص در استان سیستان‌وبلوچستان چه کرده‌اید؟

یکی از مشکلات این منطقه وجود حدود ۱۰ هزار ایرانی بدون شناسنامه است. در دوره گذشته طایفه‌هایی بودند که به دلیل مشکلاتی که با رژیم شاه داشتند، شناسنامه نمی‌گرفتند و به دیگران هم می‌گفتند. گرفتن شناسنامه فایده‌ای ندارد. بسیاری به دلیل ترس از اجباری‌بودن سربازی شناسنامه نگرفتند. البته روستاییان و دامداران زیادی بوده‌اند که در دل کوه و روستاهای دوردست و مناطق صعب‌العبور زندگی می‌کرده‌اند و به فکر گرفتن شناسنامه نبوده‌اند.

حالا آنها از زندگی و همه‌چیز عقب مانده‌اند. خودشان و فرزندانشان برای ترددِ، برای کار، معیشت، حویت، دریافت خدمات و امکانات دولتی و همه‌چیز با مشکلات جدی مواجه هستند. حالا ان‌شاءالله در دولت آقای رئیسی، وزارت کشور و سازمان ثبت‌احوال کشور این مسئله را در اولویت قرار دهند؛ چون مسئله حویت خیلی مهم است، چون انسان اگر خانه هم نداشته باشد، می‌تواند زیر یک چادر زندگی کند ولی اگر هویت نداشته باشد، انگار هیچ‌کس نیست و حل این مسئله خیلی فوری و مهم است.

اگر اجازه بدهید می‌خواهم راجع به وضعیت آموزشی در استان سیستان‌وبلوچستان سؤال کنم. آیا افزایش تعداد مدارس دینی، معنایش این است که جامعه اهل سنت علاقه یا گرایش کمتری به سیستم رایج و غالب آموزش‌وپرورش دارد؟ آیا از پایین‌بودن سطح کیفی آموزش افغانستان

ما همه را ترغیب می‌کنیم که با سیستم و نظام رسمی آموزش‌وپرورش درس بخوانند و وارد دانشگاه‌ها بشوند و مدرک دانشگاهی بگیرند و تخصص کسب کنند. این افت تحصیلی که شما اشاره می‌کنید، نه از جانب مادرها و پدرهاست و نه از جانب علما و دیگران. این افت و نارسایی بیشتر به دلیل سیاستی است که در اینجا وجود دارد. چون زنان و خصوصا اهل‌سنت به کار گرفته و استخدام نمی‌شوند، بنابراین آینده روشنی از آینده برای خودشان نمی‌بینند و باعث افت تحصیلی و ترک تحصیل می‌شود. این‌هم در بین دختران و هم در بین پسران وجود دارد. من اکثرا وقتی در سفرها به مناطق استان خودمان می‌روم، وقتی به مناطق مختلف داخل استان، اعم از سیستان یا منطقه بلوچستان می‌روم، آنها را ترغیب می‌کنم به علم و اولین چیزی که روی آن تأکید می‌کنم این است که به خانواده‌ها سفارش می‌کنم که برای تحصیل فرزندانتان هزینه کنید و آنها را به دانشگاه بفرستید؛ چه دختر و چه پسر. در این حوزه علمیه‌ای که الان شما حضور دارید، بخشی از استادان هستند که دنبال اخذ مدرک دکترا هستند. اعم از خواهران مدرسه حضرت عایشه که اینها خیلی درس می‌خوانند و از استادان و طلاب اینجا حتی به دانشگاه کشورهای خارجی هم می‌روند. فرزندان خود من دنبال این هستند که دکترا بگیرند و در دانشگاه‌ها درس می‌خوانند و دنبال کسب علم هستند و الان در ایران جا افتاده و جایی نیست که نسبت به درس بی‌رغبت باشند. اگر موفقیت شغلی و کاری فراهم شود به بیشتری می‌شد. مقدمتا شوهر بهتر می‌شد. ما خودمان از آموزش‌وپرورش کلاسه داریم. از خود وزارتخانه که درس بیشتر برنامه‌ریزی‌اش روبه‌راه بوقی نبوده و از دانشگاه‌ها هم کلاسه داریم.

آیا برای تغییر سطح آموزش کیفی در استان تلاشی کرده‌اید؟

بله. من نمی‌گویم یک نفر بود و یک دکترا بکرد. حتی می‌گویم اگر توانایی دارد بود و در چند رشته دکترا بکرد. همه باید بروند دنبال علم و دانش. این چیزی است که مراد و خواسته و مطالبه ماست. ما در این شرایط اثرات هستیم و برای بهترشدن این وضعیت هزینه هم می‌کنیم. اینجا کفتم گروه‌هایی تشکیل بشود که به دانشجویان بی‌بضاعت کمک مالی کند. همین الان ما یک آموزشگاهی داریم که افرادی را جذب می‌کنیم تا بتوانند بروند دانشگاه. علاوه بر درس‌هایی که در سیستم آموزش‌وپرورش می‌خوانند، ما معلم‌های دیگری را هم می‌آوریم و اینجا کار می‌کنند که اینها در دانشگاه‌های خوب قبول بشوند. کلاس کنکور برگزار می‌کنیم و در بعضی از نقاط شهر افراد را آموزش می‌دهیم که بتوانند در کنکور موفق بشوند و به دانشگاه‌ها تحصیل کند و خیلی‌ها هم از این طریق وارد دانشگاه‌ها شده‌اند.

اینهایی که شما تعریف می‌کنید، خیلی خوب است. اما من در این استان به روستاهای دوردستی سفر کرده‌ام که اغلب دختران و پسران، تحت تأثیر مولوی‌های منطقه، ترجیح می‌دهند به جای رفتن به مدرسه، به مدارس دینی بروند. من دختران کم‌سن‌وسال زیادی دیده‌ام که چادرهای سیاه داشتند و روبنده می‌زدند و حتی از حضورشان در این مدرسه‌ها هم خوشحال نبودند. این‌ها دیگر ترک تحصیل کرده‌اند و در مناطق دور مناطق را به‌کلی از دست داده‌اند. این‌ها دیگر با سواد نیستند. این‌ها دیگر در مناطق دور و دیگر در مناطق دیگر، جنگ و ناامنی در همسایگی‌شان تمام می‌شود. حرف‌هایی که هر سیستمی به جای خالیان می‌دهند، حتی اگر دموکراسی از نوع غربی هم می‌بود، جنگ اینجا پایان نمی‌یافت.

آیا به نظر می‌رسد شما از تمارکز حکومت طالبان در افغانستان از قبل مطلع بوده‌اید.

بله. من روی شناختی که از طالبان و همین‌طور حکومت افغانستان داشتم، می‌دانستم که این حکومت سقوط می‌کند. طالبان به قدرت می‌رسد و تمام افغانستان را می‌گیرند. من براساس شناختی که از جامعه افغانستان داشتم و مؤلفه‌هایی درگیر که روی افغانستان می‌شناسم، می‌دانستم.

تاتو و بیش از ۵۰ کشور عضو آن توانستند در افغانستان امنیت برقرار کنند؛ ولی طالبان مقاومت و ایستادگی کرد و می‌دانستم وقتی تاتو و بیش از ۵۰ کشور اینها طاقت نیاورد، حکومت افغانستان نبود که بتواند در مقابل اینها مقاومت کند. حکومت افغانستان می‌گفت ما ۳۰۰ هزار نیروی زرهمند داریم. سلاح‌های زیادی هم داریم؛ ولی حتی خود غربی‌ها هم می‌دانستند که اینها توان مقاومت و ایستادگی در مقابل طالبان را ندارند.

آیا شما به طور مشخص راجع به سفته حفایه ایران و بازگردن سد کمال خان و جاری‌شدن دوباره رودخانه هیرمند با طالبان صحبت کرده‌اید؟

بله. اینها قبول کردند که حتی اگر در آن طرف افغان‌ها تشنه هم باشند، ولی آب به ما می‌دهند.

بعد از این، دیگر حیرت مشکلی برای ایران خاطرنشان از موضوع مواد مخدر نیست. این خیلی تنبیه برنگی است. مخصوصا در سیستان ما که تمام مشکلات موجود هم مسئله است. اگر اینها کشت کنند و یک دولت قوی‌اگر تشکیل بدهند. طالبان می‌گوید ما برای قدرت تنبکیدیم؛ بلکه حتیدیم‌که نظام اسلامی را می‌بینید. تصحیت‌های اسلامی در افغانستان می‌خواهد توجاه‌گو باشد؛ یعنی در بین ملت این زمینه فراهم است و ما دنبال این هستیم که اینها هم تعدیل بشوند. همین‌طوکه در ایران هم تلان‌های ما از کذشته تا الان براساس تعریف نبود که بوده است. وقتی یک‌طرفه رفتیم و به نظام اصولگرا رای دادیم؛ بعد رفتیم در تلاش سیستم که تعدیل بیه وجود بیاید. تعدیل نبفع همه است و نکته‌ای که اینجا خوب است ذکر کنم؛ افغانستان بعد از این محل پروژش نیروی نخواهد بود. این چیزی است